

# مدیریت پرتفوی در موسسه‌های حسابرسی



مهدی ابراهیمی میمند

کارشناس ارشد حسابداری

ولی تصمیم‌گیری موسسه‌های حسابرسی در پذیرش صاحب‌کار جدید با اثربخشی بالا انجام می‌شود تا احتیاج به عدم ارائه‌ی خدمت در دوره‌های بعدی (که دارای آثار اجتماعی نامطلوبی خواهد بود) وجود نداشته باشد. به همین دلیل در زمانی که موسسه‌ای پیشنهاد ارائه خدمت از سوی صاحب‌کاران بالقوه دریافت می‌کند، ارزیابی مناسبی از ریسک مالی، حسابرسی و ریسک تجاری حسابرسی و نیز حواله‌ی حسابرسی انجام می‌دهند و سپس نسبت به پذیرش و یا عدم پذیرش آن‌ها تصمیم می‌گیرند. در تصمیمات پذیرش و ارائه‌ی خدمت به صاحب‌کاران دو منطق تجاری و حرفه‌ای وجود دارد که در تقابل با یکدیگرند. باید سعی شود تاکید بر منطق حرفه‌ای باشد ولی نباید منطق تجاری را از یاد برد؛ زیرا بقای موسسه در گرو توجه به این دو منطق به گونه‌ای متناسب می‌باشد.

موسسه‌های حسابرسی در تصمیمات پذیرش صاحب‌کار و تداوم ارائه‌ی خدمت به آن‌ها به گونه‌ای تصمیم‌گیری می‌کنند که ریسک گریزپذیر را کاهش دهند.

این فرایند با مدیریت پرتفوی صاحب‌کاران از دو طریق صورت می‌پذیرد: نخست خارج کردن شرکت‌های پرریسک از پرتفوی که این موضوع با نظریه‌ی ریسک‌گریزی در مدیریت پرتفوی شرکت‌های سرمایه‌گذاری سازگار است؛ و دوم، در زمینه‌ی شرکت‌های تازه پذیرفته شده، در صورت کم بودن ریسک به آن‌ها تداوم ارائه‌ی خدمت خواهند داشت.

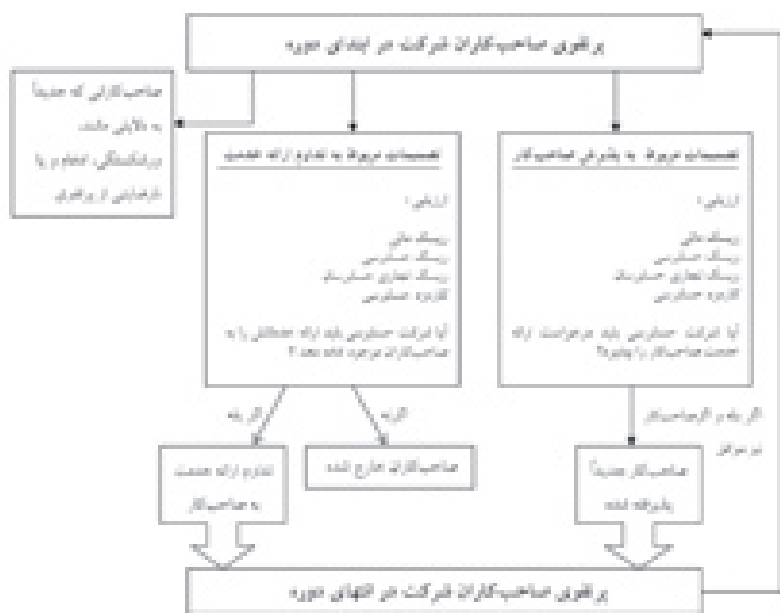
اقدام ریسک حسابرسی در تصمیمات مدیریت پرتفوی بسیار مهم هستند. در مورد تصمیمات پذیرش صاحب‌کار و تداوم ارائه‌ی خدمت به آن‌ها دشواری‌هایی وجود دارد؛ شناسایی صاحب‌کارانی دارای ریسک بالا دشوار است.

موسسه‌های حسابرسی پرتفوی صاحب‌کاران خود را به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که کم‌ترین ریسک را داشته باشد (البته بعضی یافته‌ها شواهدی عکس این ادعا را به صورت تمایل برخی موسسه‌های حسابرسی در پذیرش سطحی از ریسک بیان می‌کنند). موسسه‌های حسابرسی برای گریز از ریسک پرتفوی خود را مدیریت و تغییراتی در آن ایجاد می‌کنند. تصمیمات مدیریت پرتفوی شامل دو دسته از تصمیمات است یکی تصمیمات مربوط به تداوم ارائه‌ی خدمات به شرکت‌های موجود در پرتفوی موسسه در پایان دوره‌ی قبل، (برای تعیین این‌که آیا در دوره‌ی جاری نیز به آن‌ها ارائه خدمت شود) و دوم تصمیمات مربوط به پذیرش صاحب‌کارانی که به‌تازگی درخواست دریافت خدمت از موسسه را دارند. این تصمیمات تحت دو منطق گرفته می‌شوند (منطق تجاری و منطق حرفه‌ای) این دو منطق معیارهای متفاوت و در نتیجه نتایج متفاوتی را در پی خواهند داشت. پرتفوی یک موسسه‌ی حسابرسی به شیوه‌های دیگری نیز تغییر می‌کند، زیرا فشارهایی به‌جز تصمیمات هدفمند بر موسسه وجود دارد. برای مثال صاحب‌کاران از بین موسسه‌های حسابرسی یکی را انتخاب و از آن دعوت می‌کنند، به‌علاوه صاحب‌کاران به‌طور اختیاری می‌توانند از پرتفوی موسسه حسابرسی خارج شوند و نیز تغییرات عمومی در اقتصاد بر پرتفوی موسسه‌های حسابرسی اثرگذار است؛ برای مثال ورشکستگی صاحب‌کاران باعث می‌شود که شرکت صاحب‌کار از پرتفوی موسسه حسابرسی خارج شود. موسسه‌های حسابرسی بزرگ از ریسک پرهیز می‌کنند، زیرا آن‌ها زیان‌های بالایی از حسابرسی‌های ناقص نسبت به آن‌چه در موسسه‌های

کوچک رخ می‌دهد، متحمل می‌شوند (جونز<sup>۱</sup> ۱۹۹۸). اما در بعضی یافته‌ها بیان می‌شود که موسسه‌های حسابرسی سطح خاصی از ریسک و یا حتی ریسک اضافی را به واسطه‌ی پذیرش صاحب‌کارانی با ریسک بالا می‌پذیرند؛ زیرا این ریسک می‌تواند در سرتاسر یک پرتفوی از شرکت‌های گوناگون پخش شود (فرانسیس و کریشنان<sup>۲</sup> ۲۰۰۳) و فرانسیس و ریئالدز<sup>۳</sup> (۲۰۰۲)). تصمیمات مدیریت پرتفوی موسسه‌های حسابرسی مهم است، زیرا دارای پتانسیل اقتصادی برای صاحب‌کار و موسسه می‌باشد. برای موسسه‌های حسابرسی تصمیمات مدیریت پرتفوی در بقای بلندمدت آن‌ها تعیین‌کننده است (بل<sup>۴</sup> و همکاران<sup>۵</sup> ۲۰۰۲). می‌توان مدیریت پرتفوی موسسه‌های حسابرسی را با مدیریت پرتفوی شرکت‌های سرمایه‌گذاری قیاس کرد، هر چند پرتفوی صاحب‌کار از چندین جنبه‌ی مهم متفاوت از پرتفوی سهام است: نخست، پرتفوی صاحب‌کاران ریسک کاهنده را بعد از حسابرسی اولیه مورد ملاحظه قرار می‌دهد، ولی

ریسک کاهنده در پرتفوی سهام در سرمایه‌گذاری اولیه مدنظر قرار می‌گیرد، دوم، نگهداری پرتفوی صاحب‌کاران به وسیله تصمیمات مشترک صاحب‌کاران و موسسه میسر می‌شود، ولی پرتفوی سهام در یک بازار ثانویه و ماورای کنترل شرکتی که سهامش عرضه شده و مورد معامله قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود. (نمودار یک)

سوم: اگر چه موسسه‌های حسابرسی می‌توانند برگشت (تقاضای مجدد برای حسابرسی) صاحب‌کاران‌شان را با یک انحراف معیار برآورد کنند؛ اما امکان این‌که برای همه‌ی شرکت‌های پرتفوی این برآورد انجام شود، میسر نیست (چوی و دیگران<sup>۶</sup> ۲۰۰۲). برای شرکت‌ها تصمیمات مدیریت پرتفوی موسسه‌های حسابرسی مهم است؛ زیرا این تصمیمات بر رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارد و بعد از استعفای حسابرسان این آثار اجتماعی نمود پیدا می‌کند (مثل کاهش قیمت بازار سهام صاحب‌کار). به‌علاوه اگر موسسه‌های حسابرسی بزرگ از ارائه خدمات به شرکت‌های



نمودار یک - ورودی‌ها و خروجی‌های ناشی از مدیریت پرتفوی هدفمند در یک موسسه حسابرسی



پرسیک پرهیز کنند، این موضوع ممکن است مانع از دستیابی شرکت به اعتبار و سهم در بازار شود (پاب<sup>۶</sup> ۱۹۹۳). اخیراً موضوع پرتفوی حسابرسی با انتشار بیانیه‌هایی در زمینه‌ی ارزیابی ریسک و کیفیت حسابرسی (AI-PAQC20) مورد توجه قرار گرفته است. موسسه‌های حسابرسی به دنبال راهی برای بهبود مدیریت پرتفوی خود هستند. مطالعات انجام شده به بررسی ریسک مالی صاحب‌کاران و به‌طور مشترک ارتباط آن با دادخواهی‌های ناشی از تقلب پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هر چند ورشکستگی تعداد کمی از صاحب‌کاران منتج به دعاوی بر علیه حسابرسان شده است، اما دعاوی ناشی از تقلب بسیار محتمل و زیان‌بار است. (بانر، پالمروز و یانگ<sup>۷</sup> ۱۹۹۸) و پالمروز (۲۰۰۰). اقلام ریسک حسابرسی با شرکت صاحب‌کار، کیفیت گزارشگری مالی و درستی مدیریت صاحب‌کار مرتبط است. ملاحظه‌ی این اقلام نسبت به اقلام ریسک مالی ارزیابی بهتری از ریسک دعاوی حقوقی فراهم می‌کند. ریسک مالی ریسکی است که

وضعیت اقتصادی صاحب‌کار به طور بالقوه آن را تعیین می‌کند و بیان می‌کند که آیا زوال شرکت در بلندمدت است یا در کوتاه‌مدت؛ این موضوع به ریسک تجاری صاحب‌کار اشاره دارد. ریسک حسابرسی ریسکی است که احتمال دارد حسابرسان گزارش را نسبت به اشتباهات بااهمیتی که در صورت‌های مالی صاحب‌کار وجود دارد ندانسته تعدیل نکنند. ریسک تجاری حسابرسان زبانی است که از شغل‌شان (تعهدات) متحمل می‌شوند، این ریسک با ریسک دادخواهی مرتبط است. نسبت‌های مالی و وضعیت استراتژی‌های صاحب‌کار حاکی از ریسک مالی است. ریسک حسابرسی به کنترل‌های داخلی، کیفیت گزارشگری مالی، درست‌کاری مدیریت، ریسک تجاری حسابرسان (وضعیت تجارت عمومی) و کارمزد حسابرسی مرتبط است. تصمیمات مربوط به مدیریت پرتفوی حسابرسی اقلام ریسک مالی را کم‌تر تحت تاثیر قرار می‌دهد. بیان می‌شود که موسسه‌های حسابرسی به‌طور نسبی توجه بیشتری به ریسک حسابرسی نسبت به ریسک مالی

دارند. چندین دلیل برای این موضوع وجود دارد: نخست، ریسک مالی برای همه‌ی صاحب‌کاران غیر معمول است. دوم، موسسه‌های حسابرسی می‌توانند اظهارنظر تداوم ارائه‌ی خدمت صادر کنند، حتی اگر بحران‌های مالی قریب‌الوقوعی وجود داشته باشد. سوم، انتظار می‌رود هزینه‌های دادخواهی ناشی از ورشکستگی نسبتاً پایین‌تر از هزینه‌های دادخواهی مرتبط با اشتباهات مالی باشد. در طول فرایند مدیریت پرتفوی، حسابرسان ریسک مالی، ریسک حسابرسی و ریسک تجاری را برآورد می‌کنند و توان پوشش هزینه‌های جاری و آتی تعهد شده‌ی مورد انتظار را به وسیله کارمزد تعهدشده توسط صاحب‌کار مورد ملاحظه قرار می‌دهند.

#### تصمیمات تداوم ارائه‌ی خدمت به

##### صاحب‌کار

تصمیمات ارائه‌ی خدمت به صاحب‌کار با این هدف صورت می‌گیرد که صاحب‌کاران نامطلوب از پرتفوی موسسه حذف شوند. شرکت‌هایی که از پرتفوی موسسه حذف می‌شوند،

شرکت‌هایی هستند که فرض می‌شود ریسک بالایی دارند (موسسه‌های حسابرسی در زمینه‌ی درست‌کاری مدیریت نگران‌اند) یا اعمال آن‌ها در بلندمدت با اهداف اصلی تناسبی ندارد (موسسه ممکن است قبلاً یک صاحب‌کار را که رشد خوبی را دنبال می‌کرد پذیرفته باشد اما اکنون به آن‌ها جامه‌ی عمل نپوشانده است). تصمیم به پذیرش و تداوم ارائه خدمت به صاحب‌کار به اطلاعاتی که در حسابرسی‌های قبلی به دست آمده برمی‌گردد؛ این آگاهی تفاوت بین موسسه مسئول حسابرسی و جانشین بالقوه‌ی آن است. این فرایند به جنبه‌ی تداوم ارائه‌ی خدمت و یا جذب صاحب‌کار مربوط است. برای مثال باکوس و گیگلر<sup>۸</sup> (۱۹۹۸) بیان می‌کنند صرف نظر از قیمت‌گذاری تعدیل شده براساس ریسک، برای یک صاحب‌کار با احتمال دعاوی حقوقی بالا، بسیار منطقی است که حسابرسان از مسئولیت خود استعفا دهد و به سایر موسسه‌های حسابرسی با شاخص‌های متفاوت پذیرش و آگاهی کم از صاحب‌کار این فرصت را بدهد تا عملیات صاحب‌کار را مورد قضاوت قرار دهند.

کریشان<sup>۹</sup> (۱۹۹۷) به صورت تجربی دریافت صاحب‌کارانی که از موسسه‌های حسابرسی تداوم دریافت خدمات ندارند، دعاوی حقوقی بالاتری دارند (آن‌ها دارای بحران‌های مالی، انحراف از بازده غیرعادی، استقلال حسابرسی پایین، و اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده هستند).

شو<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۰) با بررسی شرکت‌های فاقد تداوم دریافت خدمات از موسسه‌های حسابرسی دریافت که در این شرکت‌ها ریسک دعاوی حقوقی بالاتر است و آن‌ها درخواست خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی‌ای دارند که با وضعیت موسسه حسابرسی سازگار

نیست. البته گردش صاحب‌کاران در بازار خدمات حسابرسی نسبتاً پایین است، زیرا موسسه‌های حسابرسی به سادگی صاحب‌کاران دارای ریسک دعاوی حقوقی بالا یا ناسازگار با سایر اهداف موسسه را کنار نمی‌گذارند. موسسه‌های حسابرسی تلاش زیادی برای جلوگیری از ازدست دادن صاحب‌کاران جذاب از پرتفوی خود انجام می‌دهند.

### تصمیمات پذیرش صاحب‌کار

درک تصمیمات پذیرش صاحب‌کار تنها بخشی از درک مدیریت هدفمند پرتفوی است، زیرا ترکیب پرتفوی موسسه‌های حسابرسی به وسیله‌ی پذیرش و نیز تداوم ارائه‌ی خدمات تحت تاثیر قرار می‌گیرد. هدف موسسه‌های حسابرسی در تصمیمات پذیرش صاحب‌کاران، تصمیم راجع به پذیرش درخواست خدمت از سوی صاحب‌کار است (جانستون<sup>۱۱</sup> و دیگران ۲۰۰۰). راهنمایی‌های حرفه‌ای بیان می‌کنند که موسسه‌های حسابرسی اطلاعات مربوط به ریسک صاحب‌کاران را گردآوری و بررسی کنند تا احتمال پذیرش صاحب‌کاران پرریسک (که احتمالاً دارای مشکلاتی در آینده هستند) کاهش یابد. ارزیابی ریسک صاحب‌کاران تازه پذیرفته شده ممکن است بین قضاوت اولین سال و قضاوت سال‌های بعد متفاوت باشد، این موضوع در تعدیلات بعدی پرتفوی صاحب‌کاران مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. اگر موسسه‌های حسابرسی درخواست ارائه‌ی خدماتی را که از سوی صاحب‌کار ارائه شده است بپذیرند و اگر صاحب‌کار بالقوه موسسه‌ی حسابرسی را برای خدمات حسابرسی انتخاب کنند، صاحب‌کار تازه پذیرفته شده بخشی از پرتفوی موسسه حسابرسی در سال‌های بعد خواهد بود (جانستون و دیگران ۲۰۰۰). موسسه‌های

حسابرسی در زمینه‌ی پذیرش صاحب‌کار جدید ریسک‌های مربوط را ارزیابی می‌کنند و از بین صاحب‌کاران بالقوه (مورد انتظار) به انتخاب شرکت یا شرکت‌هایی که با شاخص‌های مورد نظر در پرتفوی موسسه تطابق دارد اقدام می‌نمایند. رویکرد پرتفوی به این موضوع اشاره دارد که موسسه‌های حسابرسی در زمینه‌ی پذیرش صاحب‌کار نباید تنها به مقایسه‌ی صاحب‌کاران با یکدیگر پردازند و به انتخاب بهترین از بین آن‌ها اقدام کنند؛ بلکه باید با شاخص‌های شرکت‌های موجود در پرتفوی کنونی نیز مقایسه انجام دهند. البته در مورد صاحب‌کاران مورد نظر موسسه در یک زمان خاص، کم‌ترین ریسک ممکن است بیش‌تر یا کم‌تر از ریسکی باشد که در یک بعد زمانی در پرتفوی موجود از صاحب‌کاران وجود دارد.

### منطق تجاری و حرفه‌ای در

#### تصمیمات پذیرش صاحب‌کار

موسسه‌های حسابرسی منابع خود را با انگیزه‌ی انجام تعهدات هدایت می‌کنند و بدون فشارهای خارجی تصمیم‌گیری می‌کنند. این موضوع به این صورت بیان می‌شود که در حسابرسی استقلال و حمایت از عموم مطرح است و صلاحیت اصلی و توضیح داده شده به وسیله‌ی حرفه «مشروعیت عمومی»<sup>۱۲</sup> است. این ارزش با منطق تجاری در تناقض است. منطق تجاری و منطق حرفه‌ای از منظر پولی با هم مقایسه می‌شوند و از این منظر با هم در تضاد می‌باشند. موسسه‌ها مجموعه‌ای از مراحل را برای تصمیم‌گیری نسبت به پذیرش صاحب‌کار به وسیله ایجاد بخش‌های رسمی در سازمان انجام می‌دهند. به این وسیله الگوی مشخصی از سفارش و ثبات رویه در موسسه ایجاد می‌شود. حساب‌رسان تجاری به این

صورت تعریف می‌شوند که آن‌ها برای ایجاد فعالیت‌های حسابرسی سودآور در افق کوتاه مدت یا میان مدت رقابت می‌کند (هامفری و مایزر<sup>۱۳</sup> ۱۹۹۰)، در نتیجه حسابرسان تجاری علاقه‌مند به دستیابی به خواسته‌های مدیران شرکت صاحب‌کار می‌باشند. حسابرسان تجاری منافع حسابرسی شونده را حفظ می‌کنند و تلاش می‌کند در نظر مدیران خوب جلوه کنند تا حسابرسی‌های بعدی را نیز به دست آورند (کاپلان<sup>۱۴</sup> ۱۹۸۷). منطق حرفه‌ای به تصور درستی از حرفه‌ی حسابرسی تاکید دارد، که شامل مواردی مانند استعفا کردن، خدمات عمومی و استقلال (ICAA ۱۹۹۷). اخیراً حسابرسان به سوی منطق تجاری گرایش پیدا کرده‌اند و دائماً تحت تاثیر نگرانی‌های مربوط به اهمیت اقلام زیر خطی قرار دارند؛ اقلامی از قبیل گزارش‌های ارزیابی عملکرد موسسه که نوعاً بر مبنای شاخص سود هر شریک می‌باشد (کاوالسکی<sup>۱۵</sup> ۱۹۹۸). بنابراین حسابرسان باید در میان دو منطق تصمیم‌گیری کنند. به طور مختصر، تصمیمات حسابرسی در یک فرایند پیچیده سازمانی گرفته می‌شود. حسابرسان در انتخاب صاحب‌کار به طور خاص در زمان پذیرش اولیه در تلاش هستند تا دعوای حقوقی بالقوه را بر علیه خودشان کاهش دهند. در این جو، حسابرسان منطقی زمانی که نسبت به پذیرش صاحب‌کار تصمیم‌گیری می‌کنند، صاحب‌کارانی را که برای پرهیز از دعوای حقوقی مناسب‌تر هستند قبول و آن‌هایی را که با اطلاعات موجود به نظر می‌رسد دارای پتانسیل بالایی برای دادخواهی هستند، رد می‌کنند (هال و رنر<sup>۱۶</sup> ۱۹۹۱). موضوع اختیار در پذیرش صاحب‌کار باعث نوعی تناقض می‌گردد، زیرا بخش‌های موسسه و شرکا نسبت به سهمشان در رشد موسسه

تحت فشار هستند (برنارد<sup>۱۷</sup> ۱۹۹۴). این تصمیمات با اظهارات بی‌دلیل می‌تواند بقای موسسه را به خطر بیندازد (استی<sup>۱۸</sup> ۱۹۹۶). موسسه‌های حسابرسی مراحل تصمیم‌گیری نسبت به پذیرش صاحب‌کار را به وسیله‌ی مجموعه‌ای از اجزای سازمان هماهنگ می‌کنند. این موضوع به منظور ایجاد موازنه و میانه‌روی بین دو منطق حرفه‌ای و تجاری است که بر حفظ ارتباط داخلی و خودداری از هرج‌ومرج‌ها در تصمیم‌گیری با منطق موسسه کمک می‌کند. موسسه‌های حسابرسی برای اداره کردن تناقض‌های بین دو منطق تجاری و حرفه‌ای اجزای سازمان را به گونه‌ای ترکیب می‌کنند که بر یکی از جنبه‌ها متمرکز باشد ولی منطق دیگر را ترک نمی‌کنند. و این موضوع که تصمیمات در داخل موسسه تحت سطحی میانه از تنش‌ها اتخاذ شود منطقی است.

اگر تاکید موسسه‌ها و رفتار اعضای آن‌ها به سوی عدم رعایت جنبه حرفه‌ای باشد، عموم به کیفیت خدمات ارائه شده شک می‌کنند و اعتبار موسسه حسابرسی کم می‌شود و مشتریان موسسه کاهش خواهد یافت، به این ترتیب رشد موسسه مختل می‌گردد. در مقابل اگر یک موسسه‌ی حسابرسی و اعضای آن تنها بر جنبه‌ی حرفه‌ای تاکید و کاملاً بدون سودمندی حرکت کند، احتمال پیشرفت برای موسسه بعید است. و این بدون تردید که موسسه باید حداقل سودی را برای پوشش هزینه‌های حقوق و سایر هزینه‌های عملیاتی دارا باشد. برای مثال، در موضوع تصمیمات پذیرش صاحب‌کار، زمانی که راهبردها و سیاست‌های موسسه برای اهداف و سیاست‌های پذیرش صاحب‌کار بهبود می‌یابد، بیش‌تر بازتاب‌کننده‌ی منطق حرفه‌ای است. در مقابل، جدول پاداش شرکای موسسه وزن زیادی را به شاخص

تجاری می‌دهد. حسابرسان بیش‌تر سعی می‌کنند در منطق حرفه‌ای تاکید کنند (البته با حفظ حساسیت نسبت به منطق تجاری). بعضی حسابرسان تجاری تصور می‌کنند فعالیت‌های آن‌ها حرفه‌ای است، آن‌ها استدلال می‌کنند که در دنیای رقابتی کنونی که شبیه تجارت است مهم پاسخ به نیازهای واحد حسابرسی شونده است؛ در مقابل، مقالات کنونی موارد حرفه‌ای را بیان می‌کنند که بر مبنای کمال مطلوب سازمان یافته از ارزش‌ها و ایده‌های مرتبط با عقیده‌ی ارائه‌ی خدمات عمومی و نه منافع شخصی است.

#### پرتفوی موسسه‌های حسابرسی و تغییرات و مفروضات

تحقیقات مدارکی مرکب از دو جنبه در رابطه با مطلوبیت کلی پذیرش ریسک برای موسسه‌های بزرگ حسابرسی و مدیریت آن‌ها ارائه کردند. بعضی از تحقیقات بیان می‌کنند که افزایش ریسک در طول زمان برای موسسه‌های حسابرسی مطلوب است (فرانسیس<sup>۱۹</sup> ۲۰۰۰). سایر تحقیقات شرح می‌دهند که تلاش برای کاهش ریسک، برای موسسه‌های حسابرسی مطلوب است (جونز و روناندان<sup>۲۰</sup> ۱۹۹۸). برای هر دو یافته پشتوانه‌ی نظری وجود دارد. در مورد مطلوبیت حفظ یا افزایش ریسک در طول زمان این نظریه‌ی مناسب است که موسسه‌های حسابرسی بزرگ مشتریان بزرگ‌تری نسبت به موسسه‌های حسابرسی کوچک دارند که به آن‌ها اجازه می‌دهد به شرکت‌های صاحب‌کار با ریسک بالا ارائه خدمت کنند؛ ولی این ریسک را به‌گونه‌ای با تنوع بخشیدن در پرتفوی صاحب‌کاران سرشکن کنند. این موسسه‌ها به کیفیت خدمات بالا (استفاده از پرسنل مخصوص و یا فرایندهای حسابرسی متمرکز یا هر





جاری و آتی صاحب‌کار کافی باشد. به نظر می‌رسد در مورد صاحب‌کارانی که موسسه تصمیم به عدم تداوم ارائه‌ی خدمت می‌گیرد درآمد مورد انتظار از خدمات حسابرسی به آن‌ها برای پوشش ریسک کافی نباشد؛ احتمالاً این دلیلی است برای اینکه آن‌ها از پرتفوی موسسه خارج می‌شوند و موسسه برای آن‌ها خدمت ارائه نمی‌کند. البته ملاحظات مربوط به نرخ درآمد کمتر قابل درک است.

### سخن آخر

چندین عامل تصمیمات پرتفوی موسسه‌های حسابرسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نخست، حساب‌سازان به صاحب‌کاران پرریسک در پرتفوی خود تداوم ارائه‌ی خدمت ندارند. صاحب‌کاران غیرقابل پذیرش با شاخص‌های متفاوت از پرتفوی موسسه ممکن است گاه در پرتفوی موسسه به صورت مشروط پذیرفته شوند که در این حالت برای آن‌ها پرسنل با تخصص خاص یا کار بیش‌تر شرط می‌شود. دوم موسسه‌های حسابرسی به‌سختی

از این تئوری یافتند که موسسه‌های حسابرسی مصمم به پذیرش مداوم و افزایش مقدار ریسک در طول زمان هستند.

موسسه‌های حسابرسی می‌توانند ریسک دعاوی حقوقی مربوط به تقلب‌های مالی صاحب‌کار را از طریق کاربرد استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی (GAAS) در فرایند پذیرش، رسیدگی و اطمینان‌دهی، کاهش دهند. موضوع تقلب با نرخ دعاوی حقوقی

برعلیه موسسه رابطه‌ی زیادی دارد. ولی بیان می‌شود فرایند حسابرسی بر طبق اصول پذیرفته شده حسابرسی ممکن است در پیش‌گیری از تقلب کم‌تر مفید باشد زیرا ماهیت گمراه‌کننده‌ای دارد (پالمروز (۱۹۸۷)). برای کاهش ریسک تقلب و مشکلات پیش‌گیری از آن، موسسه‌های حسابرسی حساسیت خاصی نسبت به صاحب‌کاران با ریسک حسابرسی بالا در مقایسه با صاحب‌کاران با ریسک مالی بالا دارند. موسسه‌های حسابرسی برای پذیرش صاحب‌کار نرخی برای ارائه خدمات درخواست می‌کنند که برای پوشش هزینه‌ها و ریسک

دو این‌ها) اتکا می‌کنند تا اطمینان معقولی از نبود اشتباهات یا تحریف بااهمیتی در صورت‌های مالی صاحب‌کار حاصل کنند. در مقابل، مطلوبیت ریسک‌گریزی با این نظریه بیان می‌شود که موسسه‌ها ریسک‌گریزند، زیرا آن‌ها زیان زیادی ناشی از تقلب نسبت به شرکت‌های کوچک حسابرسی متحمل می‌شوند. این زیان شامل زیان‌های ناشی از دادخواهی و تعهدات ناشی از آن و زیان ناشی از کاهش شهرت می‌باشد.

مدیریت پرتفوی در طول زمان بدان گونه است که کم‌تر صاحب‌کاران دچار بحران مالی و بیش‌تر صاحب‌کاران با فن‌آوری ابتدایی‌تر در صنعت را در پرتفوی خود داشته باشند. چوی و دیگران (۲۰۰۲) یافتند که موسسه‌ها پرتفوی‌شان را به گونه‌ای هدایت می‌کنند که از ریسک پرهیز کنند. به نظر آنان، پرتفوی موسسه‌های بزرگ حسابرسی به سوی پوشش شرکت‌های با ریسک کم می‌روند و پرتفوی آن‌ها متفاوت از موسسه‌های کوچک است.

فرانسیس و کریشنان (۲۰۰۳) در مطالعه‌ی خود شواهدی در حمایت

صاحب‌کاران با ریسک بالا را برای عدم تداوم ارائه خدمت شناسایی می‌کنند، زیرا تیم رسیدگی از برخی مسائل صاحب‌کار ناآگاه است یا این‌که به موارد موجود که بیانگر ریسک بالا است اهمیت چندانی نمی‌دهد.

سوم، موسسه‌های حسابرسی در پذیرش صاحب‌کار جدید به صورت اثربخش عمل می‌کنند، بنابراین تعداد کمی از آن‌ها احتیاج به عدم تداوم بعدی خواهند داشت. موسسه‌ها در جهت کاهش ریسک پرتفوی صاحب‌کاران بیش‌تر بر تصمیمات پذیرش متمرکزند. اقلام ریسک حسابرسی در تصمیمات مربوط به پرتفوی موسسه‌های حسابرسی معمولاً نسبت به اقلام ریسک مالی مهم‌تر هستند.

تصمیمات پذیرش صاحب‌کار تحت تاثیر دو منطبق تجاری و حرفه‌ای قرار دارند که شاخص‌ها و معیارهای سنجش مطلوبیت صاحب‌کار برای هر کدام از آن‌ها متفاوت از دیگری است. تصمیمات سازمان در مجموعه‌ای از جنبه‌های منطقی مغایر اتخاذ می‌شود؛ در این شرایط اعضا سعی در مغایرت‌گیری در طول فرایند تصمیم‌گیری دارند (از قبیل منطبق‌های مالی، تجاری و تکنیکی). در مورد تصمیمات گرفته شده در سازمان، موسسه‌های حسابرسی سعی می‌کنند به گونه‌ای سیاست‌گذاری کنند که تصمیمات متمرکز بر منطبق تجاری و حرفه‌ای باشد هر چند منطق تجاری را نیز در نظر می‌گیرند. بقا و تداوم موسسه تحت تاثیر هر دو این منطق است که ترک هر یک موجب شکست موسسه می‌گردد. در نهایت عدم تداوم ارائه‌ی خدمت به یک صاحب‌کار از سوی یک موسسه حسابرسی بزرگ اطلاعاتی را به بازار در رابطه با ریسک حسابرسی غیرقابل مشاهده صاحب‌کار ارائه می‌کند. انتظار می‌رود نرخ ساعتی صورتحساب‌ها بر تصمیمات پذیرش و تداوم ارائه خدمت به آن‌ها موثر باشد. درآمد بطور مستقیم تصمیمات کلیدی در رابطه با صاحب‌کار را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد.

#### گزیده‌ی منابع

- FRANCIS, J. R., AND J. KRISHNAN. "Evidence on Auditor Risk-Management Strategies Before and After the Private Securities Litigation Reform Act of 1995." *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics* 9 (2003): 135-57.
- FRANCIS, J. R., AND J. KRISHNAN. "Evidence on Auditor Risk-Management Strategies Before and After the Private Securities Litigation Reform Act of 1995." *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics* 9 (2003): 135-57.
- PALMROSE, Z. "Empirical Research in Auditor Litigation: Considerations and Data." *Studies in Accounting Research #33*. Sarasota, FL: American Accounting Association, 2000.
- SHU, S. Z. "Auditor Resignations: Clientele Effects and Legal Liability." *Journal of Accounting and Economics* 29 (2000): 173-205.
- BEDARD, J. C., AND K. M. JOHNSTONE. "Earnings Manipulation Risk, Corporate Governance Risk, and Auditors' Planning and Pricing Decisions." *The Accounting Review* 79/2 (2004): 277-305.
- BELL, T. B.; J. C. BEDARD; K. M. JOHNSTONE; AND E. F. SMITH. "KRiskSM: A Computerized Decision Aid for Client Acceptance and Continuation Risk Assessments." *Auditing: A Journal of Practice & Theory* September (2002): 97-113.
- CHOI, J.-H.; R. DOOGAR; AND A. GANGULY. "Audit Firm Client Portfolios and Changes in Audit Liability Regimes: Evidence from the US Audit Market." Working paper, 2002
- FRANCIS, J. R., AND J. K. REYNOLDS. "Do Large Accounting Firms Screen Out Risky Audit Clients?" Working paper, 2002.

#### پی‌نویس‌ها

- |                              |                        |                           |
|------------------------------|------------------------|---------------------------|
| 1- Jones and Raghunandan     | Young                  | 14- Kaplan                |
| 2- Francis and Krishnan      | 8- Bockus and Gigler   | 15- Kovaleski             |
| 3- Francis and Reynolds      | 9- Krishnan            | 16- Hall Renner           |
| 4- Bell                      | 10- Shu                | 17- Bernard               |
| 5- Choi, Doogar, and Ganguly | 11- Johnston           | 18- Estey                 |
| 6- pob                       | 12- public legitimacy  | 19- Francis               |
| 7- Bonner, Palmrose, and     | 13- Humphrey & Moizer, | 20- Jones and Raghunandan |